

خواجه نصیرالدین طوسی
و مهار حمله‌ی مغول

www.ketab.ir

تألیف: علی کورانی عاملی

مترجم: مریم کورانی

▼
خواجه نصیرالدین طوسی و مهار حمله مغول

تألیف: علی کورانی عاملی

مترجم: مریم کورانی

انتشارات دلیل ما

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۰

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: مروتو شمس

چاپ: نگارین

قیمت: ۴۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۹۷-۷۱۳-۹

تلفن و نمابر: ۷۷۴۴۹۸۸ - ۷۷۳۳۴۱۳ (۹۸۲۵۱+)

آدرس: قم، صندوق پستی ۱۱۵۳ - ۳۷۱۳۵

info@Dalilema.com

WWW.Dalilema.com (خرید از طریق سایت امکان پذیر است)



انتشارات دلیل ما

مواکز پخش:

- (۱) قم، انتهای خیابان صفاییه، بعد از کوچه شماره ۳۹، پلاک ۷۵۹، طبقه دوم، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۷۷۳۷۰۱۱ - ۷۷۳۷۰۰۱
- (۲) تهران، خیابان انقلاب، خ فخر رازی، فروشگاه دلیل ما، پلاک ۶۱، تلفن ۶۶۴۴۴۱۴۱
- (۳) مشهد، چهارراه شهداء، ضلع شمالی باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان، مجتمع تجاری گنجینه کتاب، طبقه اول، فروشگاه دلیل ما، تلفن ۵ - ۲۲۳۷۱۱۳

سرشناسه

کورانی، علی، ۱۹۴۴ - م.

عنوان قراردادی

کیف رد الشیعه غزو المغول. فارسی

عنوان و پدیدآور

خواجه نصیرالدین طوسی و مهار حمله مغول / علی کورانی عاملی.

مشخصات نشر

قم: دلیل ما، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری

۲۴۸ ص.

شابک

ISBN: 978 - 964 - 397 - 713 - 9

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع

نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، ۵۹۷ - ۶۷۲ ق. ق.

موضوع

علامه حلی، حسن بن یوسف، ۶۴۸ - ۷۲۶ ق.

موضوع

شیعه -- ایران -- روحانیت -- دفاعیه ها و ردیه ها

موضوع

مجتهدان و علما -- ایران -- فعالیت های سیاسی

موضوع

ایران -- تاریخ -- مغول و ایلخانان، ۶۱۶ - ۷۵۶ ق. -- روحانیت

رده بندی کنگره

۱۳۹۰ ۹۰۴۱ ک / ۲۳۹ BP

شماره رده دیویی

۲۹۷ / ۵۳۰۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۷۲۵۷۲

فهرست

۹	مقدمه‌ی مؤلف
۱۳	بخش اول: حمله‌ی مغولان به سرزمین‌های اسلامی
۱۵	۱. مغولان، قبیله‌هایی از مغولستان، شمال چین
۱۷	۲. کشور مغولستان
۱۸	۳. چنگیزخان، طاغوت و پیغمبر مغول!
۲۱	۴. مغولان پیشنهاد اتحاد با صلیبیان را نمی‌پذیرند
۲۴	۵. یاسا، شریعت چنگیزخان برای مغول
۲۹	بخش دوم: حمله مغولان به بغداد، نیم قرن پیش از سقوط بغداد
۳۱	۱. امیرمؤمنان علیه السلام از فتنه‌ی مغول می‌گوید!
۳۳	۲. نخستین حمله‌ی مغول به سرزمین‌های اسلامی
۳۶	۳. مغولان روسیه و شرق اروپا را می‌گیرند
۳۹	۴. نمونه‌هایی از سنگدلی و وحشی‌گری مغولان
۴۵	۵. برکت‌خان مغول؛ کسی که بزرگش کرده‌اند!
۵۳	بخش سوم: سقوط بغداد به دست مغول
۵۵	۱. مغولان بیش از چهل سال از حمله به بغداد بازماندند!
۵۶	۲. دومین حمله‌ی مغول به رهبری هولاکو
۵۸	۳. سرزمین‌های اسلامی را تسلیم مغول کردند و شیعه را متهم نمودند!
۶۰	۴. خلیفه‌ای سست عنصر برگزیدند تا در مُشتشان باشد!
۶۲	۵. خلیفه و دیاریانش در اقدامی احمقانه ارتش خلافت را منحل کردند!
۶۴	۶. ابن علقمی می‌کوشد سپاه را برگرداند ولی متهم به انحلال سپاه می‌شود!
۶۵	۷. آخرین تلاش‌های ابن علقمی در آستانه‌ی رسیدن مغول

۸. خلیفه مست، می‌گرید و می‌گوید: رفاص مرا کشتند! پرده‌ها را زیاد کنید! ۶۷
۹. سلطان‌های خلافت، همه مانند خلیفه، مست بودند! ۶۹
۱۰. برای خلیفه‌ی میگسار، کرامات و معجزات درآورده‌اند! ۷۲
۱۱. از دُوبدارِ بزدل، قهرمان ساخته‌اند چون با شیعیان دشمن است! ۷۳
۱۲. نمونه‌ای از گزارش‌های معقولشان در باب تسلیم بغداد ۷۴
۱۳. پنهان کردن نقش نزدیکان خلیفه که شریکِ جرم فرمانده سپاه بودند! ۷۹
- بخش چهارم: سَنَبان با انصاف از شیعه دفاع کرده‌اند ۸۱
۱. و هابی با انصافی در دفاع از ابنِ علقمی کتاب می‌نویسد ۸۳
۲. چرا شخصیت‌های سَنی همراه مغول را متهم نمی‌کنند! ۸۶
- بخش پنجم: سیاست علمای سَنی و شیعه در برابر مغول ۹۱
۱. حاکم کافر عادل، بهتر از مسلمان ظالم است ۹۳
۲. حکم کمک گرفتن مسلمانان از کافران در راه مبارزه با مسلمان ظالم ۹۹
۳. علمای حنّه، منطقی خود را از رویان‌گری مغول دورنگه می‌دارند ۱۰۰
- بخش ششم: مرجع نابغه‌ی شیعه، معادلاتِ حمله‌ی مغول را به هم می‌ریزد ۱۰۳
۱. نصیرالدین طوسی، نابغه‌ای کم‌نظیر ۱۰۵
۲. زندگی‌خواجه نصیرالدین طوسی ۱۱۴
۳. نمونه‌هایی از اخلاق و ایمان نصیرالدین ۱۱۸
۴. شباهت نصیرالدین طوسی به حسین بن روح نوبختی ۱۲۰
۵. ابن تیمیه بر خلافِ همگان، طوسی را به توطئه متهم می‌کند! ۱۲۱
۶. نصیرالدین طوسی، هلاک و فرزندان‌ش را رام می‌کند! ۱۲۸
- بخش هفتم: برنامه‌ن نصیرالدین طوسی برای رویارویی با حمله‌ی مغول ۱۳۱
۱. علم، آبادانی، آزادیِ مذاهب، و پرورش نیروی انسانی ۱۳۳
۲. عبد الرزاق قُوطی، دستیار نابغه‌ی نصیرالدین و شیخِ ذهبی ۱۳۸
۳. سعدالدین بن خمویه و فرزندان‌ش، مشایخ بزرگ صوفیه ۱۴۱
۴. حکومت مدرنی که نصیرالدین طوسی بر پا کرد ۱۴۸
۵. جوینیان، اندیشه‌های تشیع در زمینه‌ی آزادی و آبادسازی را پیاده کردند ۱۵۰
۶. آزادیِ مذهبی، بخشی جدانشدنی از مذهب تشیع ۱۵۴
۷. گواه‌ی پژوهشگران، درباره‌ی جوینی، فرمانروای عراق ۱۶۰
۸. چرا شیعه به طرفِ مقابلش احترام می‌گذارد؟ ۱۶۵
۹. تشیع، مایه‌ی تجدیدِ حیاتِ امتِ اسلامی ۱۶۹
۱۰. حمله‌ی مغول و حسبان‌ه بود، اما راه را برای ورودِ نیروهای جدید باز کرد ۱۷۳

- بخش هشتم: علامه حلی، راه نصیرالدین طوسی (ره) را ادامه می‌دهد ۱۷۷
۱. شخصیت علامه حلی ۱۷۹
 ۲. درس خواندن علامه، نزد نصیرالدین طوسی ۱۸۰
 ۳. علامه حلی، جانشین نصیرالدین طوسی ۱۸۳
 ۴. ایلخان مغول، شیعه می‌شود و مذهب شیعه را رواج می‌دهد ۱۸۴
 ۵. چرا سلطان محمد خدا بنده شیعه شد؟ ۱۸۸
 ۶. وجه شرعی احترام گذاشتن علامه به سلطان ایلخانی ۱۹۴
 ۷. مفاد و ابعاد فرمان سلطان محمد خدا بنده ۱۹۵
 ۸. نکاتی درباره‌ی حذف ذکر شیخین از خطبه‌های جمعه ۱۹۷
 ۹. چرا منصور، نرضی ابوبکر و عمر را در خطبه‌های جمعه گنجانید؟ ۲۰۱
 ۱۰. بدعت منصور، برای پیروان بنی امیه، بخشی از دین می‌شود! ۲۰۲
 ۱۱. پیامدهای مثبت فرمان ایلخان مبنی بر حمایت از تشیع ۲۰۴
 ۱۲. تلاش ناصیبیان برای سیاه نمایی سلطان محمد خدا بنده ۲۰۷
 ۱۳. این تیمیه در تهمت زدن از دیگران پیش می‌گیرد ۲۱۳
 ۱۴. موفقیت‌های سلطان محمد خدا بنده را پنهان می‌کنند! ۲۱۴
 ۱۵. تلاش برای قتل سلطان محمد خدا بنده ۲۱۷
- بخش نهم: پادشاه ایلخان، بوسعید بن خدا بنده ۲۱۹
۱. آخرین سلطان مغول، سلطان بوسعید جوان بود ۲۲۱
 ۲. سلطان بوسعید، بیش از آن که شیعه باشد، مغولی بود ۲۲۹
 ۳. تیمورتاش، فرزند چوپان، به مصر می‌گریزد! ۲۳۴
 ۴. خدا سلطان مغول را عقیق می‌کند و حکومت مغول منقرض می‌شود! ۲۳۶
 ۵. حمله‌ی دیوانه‌وار تیمور لنگ ۲۳۹

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خاتم الانبياء وسيد المرسلين، نبينا محمد وآله
الطيبين الطاهرين، واللعنة الدائمة على اعدائهم اجمعين

حمله‌ی مغولان، بسیار سریع و وحشیانه صورت گرفت. آنان، بیشتر سرزمین‌های
اسلامی را اشغال کردند، به قتل و غارت و فساد پرداختند، زمام امور را در دست گرفتند،
و در طول حدود یک قرن و نیم، ۲۱ تن از آنان در سرزمین‌های اسلامی به حکومت
رسیدند.

ابن خلدون در تاریخ خود (۷۲۶/۷) می‌نویسد:

«ممالک اسلام به دست فرزندان چنگیزخان افتاد... به جز مراکش و اندلس و مصر
و حجاز، باقی مناطق از سلطه‌ی آنان بیرون نیامد. گویی که از اخلاف سلجوقیان
و غزان بوده‌اند. و تا به امروز، اوضاع به همین منوال است.»

در نخستین پیشروی، صدها هزار جنگجوی مغول به این سو آمدند، و به جز شمار
اندکی که به وطن اصلی خود در صحرای بزرگ چین بازگشتند، باقی، برای همیشه در
سرزمین‌های اسلامی سکن گزیدند و زاد و ولد کردند.

اما چه چیز موجب شد که آنان این چنین در دریای جامعه‌ی مسلمان آب شوند؟ اکنون
جز با سختی بسیار و از روی منابع تاریخی، یا از روی ته چهره و برخی از ویژگی‌های
ظاهری، نمی‌توان فرزندان نسل آنان را شناسایی کرد. دانشمندان و تاریخ‌نگاران، اتفاق
نظر دارند که همواره ملت غالب، فرهنگ خود را بر ملت مغلوب تحمیل می‌کند؛ این،

یک الگوی روشن و سنت تاریخی است. اما به گفته‌ی همان تاریخ‌نگاران، حمله‌ی مغول به سرزمین‌های اسلامی، از این قاعده مستثناست. در آن جریان، ملت مغلوب و شکست خورده، فرهنگ خود را به مغولان فاتح پذیراند و آنان پس از مدت کوتاهی، از فرهنگ خود دست برداشتند!

این امر، به تلاش‌های دو شخصیت بزرگ برمی‌گردد: یکی محمد بن محمد بن حسن، معروف به خواجه نصیرالدین محقق طوسی (ره) و دیگری یوسف بن مطهر، معروف به علامه حلی (ره). این دو مرجع نابغه، در رویارویی با جریان مغول، با دوراندیشی و درایت، طرحی موفقیت‌آمیز را به اجرا درآوردند که پیامدهای مهم و درخشانی داشت:

۱. فعالیت خود را روی سران مغول متمرکز کردند و روابط خوب و حساب‌شده‌ای با آنان در پیش گرفتند؛ از دیکتاتور بزرگشان هلاکو، تا فرزندان و نوادگان او و وزیران آنان.

تلاش‌های این دو، نسبتاً زود نتیجه داد؛ به دست آنان و شاگردانشان، فرزندان هلاکو و سران سپاه مغول، اسلام آوردند و نگاه و احساس مغولان نسبت به اسلام و مسلمانان تغییر کرد، تا جایی که برخی از آنان به مسلمانی واقعی تبدیل شدند. نخستین اسلام‌آوران، احمد پسر ملاکو بود، و خواهیم دید که خود هلاکو نیز، اسلامی‌ظاهری آورده است.

۲. آن‌ها مغولان را بر آن داشتند که در سرزمین‌های اسلامی به طور مستقیم حکومت نکنند، بلکه حاکمانی باکفایت از میان مردم برگزینند و دست آنان را باز بگذارند و در امور داخلی‌شان دخالت نکنند.

۳. مغولان را بر آن داشتند که سیاست آزادی مذهبی و آبادسازی را در پیش گیرند. برنامه‌ی حاکمان منصوبشان نیز همین گونه بود، و پیامدهای آن، به ویژه در عراق، خود را نشان داد، تا جایی که تاریخ‌نگاران گواهی دادند که این نهضت فرهنگ و آبادانی، برتر از کارهای انجام شده در دوران خلافت عباسی بود!

۴. این دو مرجع، اهمیت ویژه‌ای به یافتن استعدادهای علمی و مدیریتی و سیاسی می‌دادند. گوشه و کنار سرزمین‌ها را به دنبال نیروهای مستعد می‌گشتند و اقدام به جذب

و حمایت آن‌ها می‌کردند و سپس دستشان را در کار و خلاقیت باز می‌گذاشتند. نتیجه‌ی این فعالیت‌ها در رصدخانه و دانشگاه مراغه، و در دانشگاه‌های مُستنصریه، نظامیه، جله و دیگر کانون‌های علمی، و در ده‌ها پزشک و مهندس و اخترشناس و دانشمند عرصه‌های گوناگون، نمود پیدا کرد، که با دانش و نوشته‌های خود، زندگی و کتاب‌خانه‌های جامعه‌ی اسلامی را غنی می‌ساختند.

کار این دو مرجع و شاگردانشان، کاری گسترده بود، زیرا اغلب بخش‌های جهان اسلام، یعنی تمام مناطقی را که مغول اشغال کرده بود، فرا می‌گرفت. از سوی دیگر، کاری چندجانبه بود، زیرا دارای ابعاد علمی و اجتماعی و سیاسی و اداری بود. همچنین از لحاظ برنامه‌ریزی و گزینش شخصیت‌های برجسته، و پذیراندن آن به مسئولان و روشن کردن افکار عمومی، کاری عمیق و زیربنایی به شمار می‌رفت.

دشوارترین بخش این کار، توجه‌دهن ذهن و دل پادشاهان مغول، از بت‌پرستی به اسلام، و تبدیل عطش خونریزی و ویرانگری و سیطره‌جویی آن‌ها، به صلح‌طلبی و آرامش دوستی و پرهیزگاری بود. و این کاری بود که جز از دست این دو مرجع - خواجه نصیرالدین طوسی (ره) و شاگردش علامه حلی (ره) - بر نمی‌آمد. خداوند، شخصیتی به این دو داده بود که حتی برای دشمنانشان جذّابیت داشت!



برخی این خوانش را جانبدارانه و طرفدارِ شیعه می‌شمارند؛ چون مخالفِ باورِ مشهورِ تاریخ‌نگارانِ حکومتی است که می‌گویند شیعیان، توسط شخصِ وزیر، محمد بن علقمی، و خواجه نصیرالدین مرجع - که بعدها وزیر و معتمد خاصِ هلاکو گردید - با مغولان همدست شده بودند! آنان می‌بینند این گزارش، مسئولیتِ ویرانیِ سرزمین‌های اسلامی و سقوطِ نظامِ خلافت را، متوجهِ شخصِ خلیفه و نزدیکان و سلاطینِ تحت حکومتش کرده است و آنان را به دلیلِ فساد و سوء مدیریتشان، شریکِ کشتار و ویرانگری‌های مغول می‌سازد!

از این رو توصیه می‌شود کسانی که از زمان شکل‌گیری تفکرشان، عادت کرده‌اند تاریخ-نگاران پیرو حکومت را بزرگ بدانند و سخنانشان را بدون فکر، و چشم و گوش بسته بپذیرند، این کتاب را نخوانند! چنین کسانی دوست دارند حقیقتِ خلافتِ عباسی همواره خوب و شیرین به نظر برسد و نمی‌خواهند روی دیگر کار را ببینند؛ حال آن که شیرین‌ترین بخشِ واقعه، دیدنِ حقیقتِ آن است!

خواننده، در این کتاب خواهد دید که شیعیان، قایقِ نجاتِ جامعه‌ی اسلامی از بدکاری‌های دستگاهِ خلفا بوده‌اند، و اتهامِ همدستی آنان در حمله‌ی مغول، دروغِ دشمنانشان است! همچنین، خواهد دید که خواجه نصیرالدین طوسی و علامه حلی، در نقشِ دو قهرمان نمودار گشته‌اند و اسلام و سرزمین‌های مسلمان را از شرّ مغولان نجات داده و توانسته‌اند برخی از سرانِ مغول را، از وحشیانی خون‌خوار و ویرانگر، به مسلمانانی تبدیل کنند که سیاستِ آزادیِ مذهبی و اجتماعی، سیاستِ آبادسازی، و سیاستِ تشویقِ دانش و دانشمند را در پیش می‌گیرند و حکومتشان، با حمایت از مذهب تشیع، در مدتی کوتاه، کارهایی انجام می‌دهد که خلافتِ راحت طلبِ متعصبِ قرن‌ها از انجامِ آن ناتوان بود!

علی کورانی عاملی

قم، ربیع الاول ۱۴۲۸